

بیژن خواجه پور خوبی پناهندگان تهران

طبق آمار سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۵ میلادی، حدود ۱۵ میلیون پناهنده در جهان وجود داشته است، که فقط یک میلیون نفر از آنها در کشورهای توسعه یافته به سر می‌بردند و باقی در کشورهای در حال توسعه. بنابر همین آمار، کشور ایران علی‌رغم بازگشت حدود ۱،۵ میلیون پناهنده افغانی به کشورشان، همچنان با بیش از ۲ میلیون پناهنده در مسیر جدول کشورهای پناهنده پذیر قرار دارد. وجود جمعیت‌های پناهنده در همه کشورها واکنش‌هایی را از جانب اتباع کشور پناهنده پذیر موجب شده است. هجوم به اردوگاه‌های پناهندگان در آلمان و نروژ و ضرب و شتم این افراد، از جمله ناپسندترین این واکنش‌ها در سال‌های اخیر بوده است. می‌توان گفت که در کشور ایران نیز این نوع رفتار در سطح شهر تهران که پذیرای تعداد قابل توجهی از کل پناهندگان کشور است، در تمام این سال‌ها مشاهده نشده است و این خود نشان از وجود فرهنگ و اخلاق پناهندگان در ایران دارد. در عین حال «افسانه‌هایی» در مورد رفتار پناهندگان مقیم تهران شنیده می‌شود که هیچکدام پایه و اساس درستی ندارند اما می‌تواند حاکی از این امر باشد که ساکنین تهران دارای دायوری مثبتی نسبت به حضور این افراد در جامعه نیستند. از این رو بر آن شدیم که به واسطه تحقیقی اجتماعی ارزیابی دقیقی از این مقوله، یعنی پناهنده پذیری شهروندان تهرانی به دست آوریم. مقاله حاضر برپایه برداشش یافته‌های این تحقیق استوار است.^۱

مشخصات نمونه شهروندان تهرانی که در چارچوب این تحقیق با آنها مصاحبه شد، در ذیل آمده

است.

سن مصاحبه شوندهگان

گروه سنی	زیر ۲۵ سال	۲۶ الی ۳۵	۳۶ الی ۴۵	۴۶ الی ۶۰	بالای ۶۰
%	۳۶/۰	۳۶/۳	۱۷/۲	۶/۵	۴/۰

مشاغل مصاحبه شوندهگان

گروه شغلی	کارگر	کارمند	آزاد	خانه‌دار	دانشجو	دانش‌آموز	سایر
%	۱۲/۸	۲۶/۵	۲۴/۹	۵/۶	۱۴/۴	۷/۴	۸/۴

سطح تحصیلات مصاحبه شوندهگان

سطح تحصیلات	زیر دیپلم	دیپلم	فوق دیپلم	لیسانس	بالتر از لیسانس
%	۱۶/۳	۳۸/۱	۱۲/۱	۲۴/۹	۷/۰

سطح درآمد ماهانه مصاحبه شوندهگان

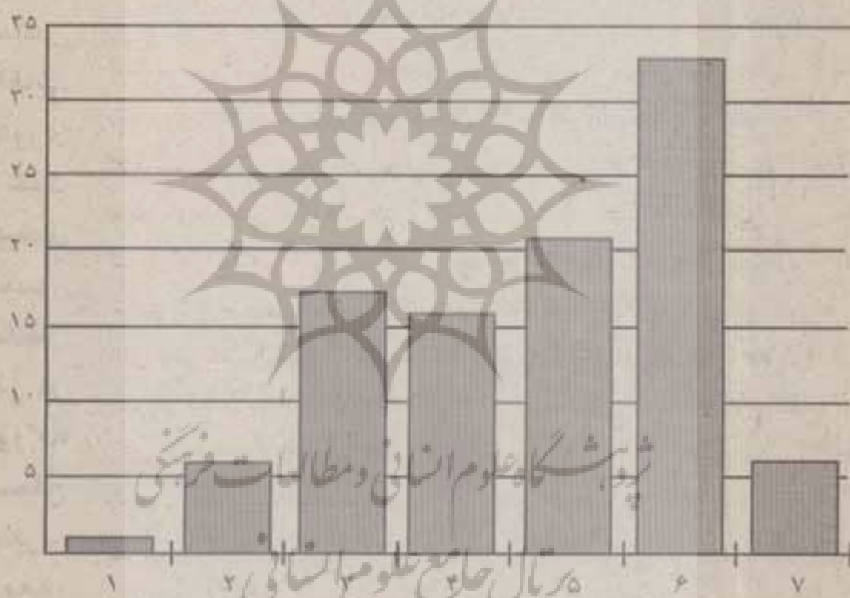
سطح درآمد (به هزارریال)	کمتر از ۲۰۰	۲۰۰ الی ۳۰۰	۳۰۰ الی ۴۰۰	۴۰۰ الی ۶۰۰	۶۰۰ الی ۸۰۰	۸۰۰ الی ۱۰۰۰	بالتر از ۱۰۰۰
%	۳۱/۴	۲۵/۹	۲۱/۹	۵/۶	۵/۶	۵/۶	۵/۳

جنسیت مصاحبه شوندهگان

جنسیت	زن	مرد
%	۲۸/۸	۷۱/۲

اولین و آشکارترین نتیجه‌ای که از این تحقیق حاصل می‌شود این امر است که اکثر شهروندان تهرانی وجود پناهندگان افغانی در ایران را منفی ارزیابی می‌کنند. یعنی در واقع فقط ۹/۷٪ مصاحبه‌شوندگان وجود آنان را مثبت می‌دانند، در حالیکه ۶۶/۷٪ این حضور را منفی دانسته و ۲۵/۴٪ این حضور را بی‌تاثیر تلقی می‌کنند. درجه پائین پناهنده‌پذیری شهروندان تهرانی زمانی کاملاً آشکار می‌گردد که در می‌یابیم، ۸۸/۴٪ پاسخ‌دهندگان حاضر به شراکت با پناهندگان افغانی نیستند و ۶۹/۱٪ حتی حاضر نیستند در همسایگی یک پناهنده زندگی کنند. به نظر ۷۰٪ از شهروندان تهرانی مهاجرت افغانی‌ها به اقتصاد و جامعه ایران لطمه وارد کرده است. یعنی به نظر آنها این مهاجرت باعث افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی و بیکاری ایرانیان شده است. ریز نتایج پاسخ‌ها به پرسش «به نظر شما، مهاجرت بیش از دو میلیون افغانی به ایران، دارای چه آثاری بوده است؟» در نمودار شماره ۱ آمده است.

نمودار شماره ۱



۱: باعث بهبود وضع اقتصادی شده است.

۲: باعث اختلاط فرهنگی بین ایرانی و افغانی شده است.

۳: باعث افزایش نیروی کار خوب و ارزان شده است.

۴: از نظر اقتصادی به ایران ضربه زده است.

۵: باعث بیکاری ایرانیان شده است.

۶: باعث افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی شده است.

۷: سایر

در عین حال جالب توجه است که این ارزیابی منفی نه نتیجه شناختی عمیق و یا همنشینی و همکاری با شهروندان افغانی، بلکه حاصل پیشداوری می‌باشد. در واقع حدود ۶۵٪ شهروندان تهرانی جز در معابر عمومی، تماسی با پناهندگان افغانی نداشته‌اند و به این اعتبار، داوری آنها فقط بر پایه گفته‌های دیگران که می‌دانیم با شایعه تفاوت چندانی ندارد، شکل گرفته است.

برای اثبات این امر می‌توان به دلایل کسانی که حاضر به شراکت و یا همسایگی با پناهندگان نبوده‌اند، نیز استناد کرد؛ ۶۸٪ از کسانی که حاضر به قبول شراکت نیستند و حدود ۵۰٪ از افرادی که مایل به همسایگی با افغانی‌ها نمی‌باشند، دلیل اصلی این امر را عدم شناخت عنوان کرده‌اند. در واقع شناخت شهروندان تهرانی از افغانی‌ها به مسلمان بودن آنان خلاصه می‌شود. این شناخت به حدی ضعیف است که فقط ۲۰٪ پاسخ دهندگان به اشتراک زبان فارسی میان ایرانیان و افغانی‌ها اشاره می‌کنند.

از این رو روشن است که ارزیابی منفی شهروندان تهرانی از شناخت و تجربه مستقیم ناشی نمی‌شود. در نتیجه پرسش این است که علت پیشداوری آنها در کجا ریشه دارد؟ از پاسخ‌های شهروندان تهرانی به سوالاتی در مورد نتایج حاصل از بازگشت احتمالی پناهندگان افغانی به کشورشان و نیز دلایلی که برای تمایل آنها به اینکه پناهندگان ایران را ترک کنند، در می‌یابیم که ارزیابی منفی و نگرانی شهروندان تهرانی در نارسایی‌های اقتصادی و اجتماعی موجود در جامعه ریشه دارد. ۶۰٪ افرادی که ترجیح می‌دهند پناهندگان افغانی به کشور خود بازگردند، علت این امر را تاثیر مثبتی که این بازگشت بر وضعیت اقتصادی و اجتماعی ایران خواهد گذاشت، ذکر می‌کنند. همچنین ۵۰/۵٪ آن مصاحبه‌شوندگانی که عقیده دارند پناهندگان افغانی نباید از امکانات برابر با ایرانیان برخوردار باشند، «کمبود امکانات ایرانیان» را همچون دلیل این مخالفت عنوان می‌کنند. همین نتیجه را می‌توان از پاسخ شهروندان تهرانی به پرسش پیرامون نظر آنها در مورد کمک‌های دولت به پناهندگان افغانی، باز یافت؛ ۶۱/۶٪ از پاسخ‌دهندگان بر این باورند که کمک مالی دولت باید به اقشار کم درآمد خود ایران اختصاص یابد.

تعداد قابل توجهی از شهروندان تهرانی، بر این عقیده‌اند که پناهندگان افغانی عامل افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی می‌باشند، (۳۳٪). یعنی شهروندان تهرانی اعتقاد دارند که ناهنجاری در جامعه ما افزایش یافته و ثانیاً بر این نظرند که دلیل این افزایش، حضور پناهندگان افغانی است. روشن است که هیچ‌یک از این دو ابراز نظر بر آمار متکی نیست. در عین حال ابراز نظر اول بازگوکننده احساس ناامنی شهروندان تهرانی از محیط زندگی‌اش است و حال آن که

با توجه به
آمدگی
اخلاقی
جامعه، دولت
می‌تواند با
شناساندن
فرهنگ افغانی
و یادآوری
نتایج مثبت
اقتصادی
حضور
پناهندگان
افغانی در
کشور به
آسانی سطح
پناهنده‌پذیری
را در جامعه
ما ارتقاء دهد.

ایراز نظر دوم، متهم کردن بدون دلیل اقلیتی است در جامعه به اینکه منشأ ناهنجاری هاست. یعنی متداول‌ترین و ابتدایی‌ترین توضیحی که در اکثریت کشورها برای افزایش ناهنجاری‌ها ارائه می‌شود و مگر در مواردی خاص به اثبات نرسیده است. بر دیگران عیب گذاشتن، همواره سهل‌تر از پذیرش معایب خویش است.

همبستگی ملی یکی دیگر از عواملی است که باعث سطح نازل پناهنده پذیری شهروندان تهرانی است. ۶۵٪ کسانی که استخدام یک کارگر ایرانی را به استخدام یک کارگر افغانی ترجیح می‌دهند، به این دلیل است که ایرانی را نه صرف ایرانی بودن به کارگر افغانی ترجیح می‌دهند و نه به عنوان مثال به دلیل اینکه کار بهتری ارائه می‌دهد و یا اینکه حقوق کمتری دریافت می‌کند. دلیل اکثر کسانی که مراجعه به پزشکی ایرانی را به استفاده از خدمات یک پزشک افغانی ترجیح می‌دهند نیز همین اولویت دادن به هموطن است.

به هنگام جستجوی ریشه‌های سطح نازل پناهنده‌پذیری شهروندان تهرانی مطلب دیگری نیز قابل ذکر است و آن اینکه اکثر مصاحبه‌شوندگان، پناهندگان را به منزله میهمانی در نظر می‌گیرند که دیر یا زود به کشور خویش باز خواهد گشت و از این رو تمایلی به شراکت با وی از خود نشان نمی‌دهند.

ارزیابی منفی شهروندان تهرانی از حضور پناهندگان افغانی در کشور، بروزانی آشکار و قابل اندازه‌گیری دارد: ۶۲/۶٪ از پاسخ‌دهندگان می‌پذیرند که ما ایرانیان در بعضی موارد با پناهندگان افغانی بد رفتاری می‌کنیم، جالب آنکه فقط یک سوم این افراد توجیهی مبنی بر «دفاع از حقوق خود» برای این بد رفتاری ارائه می‌دهند. از دیگر بروزایی‌های این ارزیابی منفی می‌توان به «شهر و استان تهرانی» به عدم استفاده برابر پناهندگان افغانی از امکانات کشور است. سه چهارم مصاحبه‌شوندگان بر این نظرند که در استفاده این امکانات اولویت باید به ایرانیان داده شود. آخرین نکته‌ای که می‌توان در این حوزه به آن اشاره کرد، ایراز تمایل ۹۳٪ از شهروندان تهرانی به بازگشت پناهندگان به کشور خویش می‌باشد. در آغاز نوشته یادآور

شدیم که علیرغم شمار بالای پناهندگان افغانی در ایران، از واکنش‌های ناپسند از آن دست که در برخی کشورهای اروپایی در قبال پناهندگان مشاهده می‌شود، در ایران و خصوصاً در تهران خوشبختانه اثری نیست. به عبارت دیگر شهروندان تهرانی علیرغم پناهنده‌پذیری نازلشان از خویش داشتن داری بالایی برخوردار هستند. فهم این خصلت پسندیده بر پایه ارزش‌هایی اخلاقی بنا شده است که فرد در جامعه خود فرا می‌گیرد. برای پی بردن به مجموعه این ارزش‌ها دلایل افرادی را

جامعه ایرانی
دارای منابع
اخلاقی
دیرپایی است
که به او
اجازه می‌دهند
علیرغم سطح
نازل
پناهنده‌پذیری
عملاً در این
زمینه در
مجموع
کارنامه مثبتی
ارائه دهد.

که علی‌رغم ابراز تمایل به بازگشت پناهندگان به کشورشان، بر این نظر هستند که هم اکنون این پناهندگان باید از امکانات برابر با شهروندان تهرانی برخوردار باشند، دسته بندی کردیم. همچنین دلایل افرادی را که حاضر به مشارکت با یک شهروند افغانی یا قبول همسایگی وی و نیز مراجعه به پزشکی افغانی هستند را جویا شدیم.

بالاترین درجه پناهنده پذیری شهروند تهرانی در زمینه مراجعه به پزشک افغانی است: نیمی از پاسخ دهندگان با اعلام اینکه تخصص به نژاد و ملیت ارتباطی ندارد، آمادگی خود را برای مراجعه به پزشک افغانی اعلام می‌دارند. در صدر دلایل کسانی که قایل به برخورداری پناهندگان افغانی از امکانات برابر با شهروندان ایرانی و نیز قبول شراکت و همسایگی هستند، برابری و برادری مسلمانان قرار می‌گیرد. سپس لزوم رعایت آداب میهمان نوازی و سرانجام لزوم رعایت شئونات انسانی را باز می‌یابیم. آگاهی از وجود و کارکرد این منابع ارزش‌های اخلاقی هم موجب خرسندی است و هم بازگو کننده نارسایی‌ای در جامعه ما. موجب خرسندی است زیرا به روشی نشان می‌دهد که جامعه ایرانی دارای منابع اخلاقی لایزالی است که طی فرآیند معادای علی‌رغم فراز و نشیب‌های بسیار، همچنان پابرجا مانده‌اند و به این جامعه اجازه می‌دهند رفتاری شجاعانه و انساندوستانه داشته باشد و در مجموع عملاً کارنامه مثبتی در زمینه پناهنده پذیری ارائه دهد. در همین حال حاکی از وجود یک نارسایی است و آن اینکه علی‌رغم گستردگی آموزش و پرورش و توسعه رسانه‌های عمومی، منابع اخلاقی جامعه هنوز عمدتاً همان منابع سنتی و قدیمی آن هستند.

XXXXXXXXXXXX



پیشداوری های منفی که وجودشان به روشنی در این تحقیق واضح گشت، از سوی و پذیرش همزیستی از سوی دیگر، بیش از هر چیز نشانگر زمینه مثبت پناهنده پذیری در ایران است. با احتساب بر این زمینه است که می توان به نقد کم کاری مسئولین در ارتباط با ارتقاء سطح پناهنده پذیری در کشور پرداخت. در واقع مطمئناً دولت به این امر آگاه است که حضور کارگران افغانی به افزایش نیروی کار ارزان در ایران انجامیده و از این راه کمک قابل توجهی برای اقتصاد کشور بوده است. همچنین ارائه ارقامی در مورد ثروت هایی که پناهندگان با خود به ایران آوردند، نیز می توانست از شدت پیشداوری در مورد اینکه پناهندگان فقط حاملان فقر به جامعه ما بوده اند، بکاهد. در واقع، علاوه بر ثروتی که تجار افغانی با خود به ایران آوردند باید از ثروتی که به صورت دام توسط افغانی ها به ایران منتقل گردید، نیز یاد کرد. همچنین ناشناختگی فرهنگی شهروندان تهرانی نسبت به افغانی ها بسیار تعجب آور است، گویی کوچکترین سعی ای برای شناساندن این فرهنگ به جامعه ایرانی در ۱۷ سال گذشته صورت نگرفته است. حتی اگر بپذیریم که در دوران جنگ تمامی توجه کشور به این مسئله معطوف بود، پس از گذشت ۷ سال از پایان جنگ، این کوتاهی قابل توجیه نیست. روشن است که با توجه به حضور این تعداد شهروند افغانی در کشور بهترین وسیله برای شناساندن فرهنگ افغانستان در کشور موجود بود. یعنی دولت می توانست به آسانی و به پشتیبانی این جمعیت کثیر در این راه گام بردارد. با توجه به اینکه ناسامانی در افغانستان همچنان ادامه دارد و می تواند مانعی بر سر راه بازگشت پناهندگان افغانی به کشور خویش باشد، هنوز فرصت زیادی برای آگاه سازی جامعه ایران با فرهنگ افغانستان و نتایج مثبت حضور شهروندان افغانی در ایران باقی است. ایران می تواند از این طریق در راه تثبیت کارنامه پناهنده پذیری اش که همانطور که یادآور شدیم، در عمل و در مجموع مثبت بود، قدم بردارد.

برای کشوری که بیشترین شمار پناهندگان را در مقایسه جهانی پذیرفته است، مقوله پناهندگی در ایران به اندازه مطلوب موارد بحث و بررسی قرار نگرفته است.

یادداشت

۱- تحقیق اجتماعی مذکور بر پایه مصاحبه های حضوری از طریق روش پرسشنامه در سطح تهران انجام گردید. نمونه انتخاب شده شامل ۵۰۰ شهروند تهرانی بوده که در سطح شهر بطور مساوی تقسیم و مصاحبه ها توسط پرسشگران دانشجو علوم آسانی صورت گرفته اند.

۲- لازم به ذکر است که با وجود تلاش برای مصاحبه با تعداد مساوی مرد و زن، به علت مقوله پناهندگان افغانی، مصاحبه شوندگان زن کمتر به شرکت در گفتگو رغبت نشان دادند. تجارب قبلی نگارنده در تحقیق اجتماعی از طریق پرسشنامه به هیچوجه با این مشکل بر نخورده، لذا می توان نتیجه گرفت که موضوع این تحقیق مصاحبه شوندگان زن را ترغیب نکرده است.